**باسمه تعالی**

**هیچ ورودی فهرست مطالب یافت نشد.**

**موضوع**: کتاب الصلاه/اوقات نماز های یومیه /تفریق بین دو نماز/تزاحم بین وقت فضیلت و نماز جماعت

**خلاصه مباحث گذشته:**

## اوقات نماز های یومیه

## ادامه مسأله هفتم عروه (استحباب تفریق بین دو نماز)

راجع به این که وقت فضیلت نماز عصراز چه زمانی شروع می شود؛

### استحباب تفریق به جهت خواندن نوافل

در جلسه قبل گفتیم که بعد از این که انسان نماز ظهر را خواند وقت فضیلت عصر شروع می شود لذا جمع بین نماز ظهر و عصر خلاف فضیلت نیست و از روایات که می فرمود: «إن هی إلا سبحتک» همین را استظهار کردیم که بعد از این که نماز ظهر خوانده شد، وجه تأخیر نماز عصر و تفریق بین ظهر و عصر، استحباب نوافل عصر است و اگر مثل سفر یا روز جمعه نوافل ساقط بود و یا مکلّف نمی خواست نافله نماز عصر بخواند، می خواستیم وفاقاً للسید الخویی بگوییم که تأخیر نماز عصر و تفریق بین ظهر و عصر، فضیلت ندارد و این که مشهور می گویند تفریق بین نماز ظهر و عصر مستحبّ است به این شکل دلیل ندارد.

به نظر می آید روایتی وجود دارد که به خاطر آن روایت باید از آن مطلبی که گفتیم دست برداریم.

بله اگر ما باشیم و روایاتی که مطرح کردیم همین مطلبی که در قبل گفتیم به دست می آید. مثل:

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ: ***قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَتَى أُصَلِّي الظُّهْرَ- فَقَالَ صَلِّ الزَّوَالَ ثَمَانِيَةً ثُمَّ صَلِّ الظُّهْرَ- ثُمَّ صَلِّ سُبْحَتَكَ طَالَتْ أَوْ قَصُرَتْ ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ.[[1]](#footnote-1)***

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: ***إِذَا صَلَّيْتَ الظُّهْرَ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ- إِلَّا أَنَّ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةً- فَذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ.[[2]](#footnote-2)***

وَ عَنْهُ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ مُثَنًّى الْعَطَّارِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ الرَّوَّاسِيِّ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: ***قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ- فَصَلِّ ثَمَانَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ صَلِّ الْفَرِيضَةَ أَرْبَعاً- فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ سُبْحَتِكَ قَصَّرْتَ أَوْ طَوَّلْتَ فَصَلِّ الْعَصْرَ.[[3]](#footnote-3)***

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى قَالَ ***كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع- رُوِيَ عَنْ آبَائِكَ‌ الْقَدَمِ وَ الْقَدَمَيْنِ وَ الْأَرْبَعِ- وَ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ وَ ظِلِّ مِثْلِكَ- وَ الذِّرَاعِ وَ الذِّرَاعَيْنِ فَكَتَبَ ع- لَا الْقَدَمِ وَ لَا الْقَدَمَيْنِ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ- فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ- وَ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ وَ هِيَ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ- فَإِنْ شِئْتَ طَوَّلَتْ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ- ثُمَّ صَلِّ الظُّهْرَ فَإِذَا فَرَغْتَ كَانَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ سُبْحَةٌ- وَ هِيَ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ- وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ.[[4]](#footnote-4)***

سند این روایت مرسل است زیرا ظهور ندارد که محمد بن أحمد بن یحیی شهادت به جواب امام علیه السلام می دهد و ظهور در خبر مستقلّ ندارد بلکه شاید محمد بن أحمد بن یحیی به استناد به خبر بعض أصحاب و کسی که نقل می کند، می گوید. بله اگر می گفت: «فکتب و رأیت جوابه بخطّه» خوب بود که در برخی روایات این گونه آمده است.

حال اگر گفته شود که ظهور نقل در این است که إخبار از صدور سؤال و جواب می دهد و أصاله الحس هم محکّم است از ارسال خارج می شود ولی ما همچون ظهوری را احراز نکردیم.

لکن مضمون مجموع روایات یک چیز است که مرحوم خویی طبق همین مضمون فرمودند بعد از نماز ظهر وقت فضیلت عصر شروع می شود و اگر نافله عصر داشتی نافله عصر بخوان و اگر نافله نداشتی و یا نخواستی بخوانی نماز عصر را بخوان و تأخیر نینداز. و ما هم همین را بیان می کردیم.

### استحباب تفریق به جهت رعایت وقت فضیلت

ولی روایتی معتبره وجود دارد که ظاهر آن این است که امام علیه السلام وقت فضیلت را «إن هی إلا سبحتک» قرار نداده بلکه وقت فضیلت را برای نماز ظهر قدمان یعنی دو هفتم شاخص و برای نماز عصر أربعه أقدام یعنی چهار هفتم شاخص، قرار داده است:

روایتی که شیخ طوسی به اسنادش از حسین بن سعید نقل می کند: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: ***كَتَبْتُ إِلَيْهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَوَى أَصْحَابُنَا- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُمَا قَالا- إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ- إِلَّا أَنَّ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةً- إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ- وَ رَوَى بَعْضُ مَوَالِيكَ عَنْهُمَا- أَنَّ وَقْتَ الظُّهْرِ عَلَى قَدَمَيْنِ مِنَ الزَّوَالِ- وَ وَقْتَ الْعَصْرِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ مِنَ الزَّوَالِ- فَإِنْ صَلَّيْتَ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يُجْزِكَ- وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ يُجْزِي وَ لَكِنَّ الْفَضْلَ فِي انْتِظَارِ الْقَدَمَيْنِ وَ الْأَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ- وَ قَدْ أَحْبَبْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْ أَعْرِفَ- مَوْضِعَ الْفَضْلِ فِي الْوَقْتِ- فَكَتَبَ الْقَدَمَانِ وَ الْأَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ صَوَابٌ جَمِيعاً***.[[5]](#footnote-5)

عبدالله بن محمّد مشترک بین ثقه و غیر ثقه است و صاحب مدارک در روایاتی که متضمّن عبدالله بن محمد است اشکال کرده است زیرا چهار تا عبدالله بن محمّد تا داریم:

1- عبدالله بن محمّد حضینی أهوازی که ثقه است. 2- عبدالله بن محمّد حجّال که ثقه است. 3- عبدالله بن محمّد أهوازی که احتمال دارد غیر از حضینی باشد توثیق ندارد. 4- عبدالله بن محمّد بن علی بن عباس.

البته هر چند مرحوم خویی فرموده است که چهار نفر اند ولی به نظر ما أهوازی همان حضینی أهوازی است که ثقه است لذا سه نفر می شوند و همین که یک نفر غیر ثقه باشد برای اشکال کافی است.

همان طور که مرحوم خویی در کتاب خود دارند، عبدالله بن محمّد بن علی بن عباس از معاریف نیست و در کتب أربعه از او حدیثی نقل نکرده اند و نیز از عبدالله بن محمّد أهوازی اگر غیر از حضینی أهوازی باشد در کتب أربعه حدیثی نقل نکرده اند. و لذا انصراف عبدالله بن محمّد که حسین بن سعید از او نقل می کند و خود حسین بن سعید أهوازی است، به عبدالله بن حضینی أهوازی و یا به عبدالله بن محمد بن حجّال است لذا بعید نیست روایت معتبره باشد.

**أما دلالت روایت:**

ظاهر این است که از سه قولی که مطرح شده است حضرت قول سوم را تأیید کردند. و معلوم می شود که «إن هی الا سبحتک» در مقام جمع عرفی به این معنا است که تأخیر لازم نیست و جایز است نماز عصر را زودتر بخوانیم و عامّه اشتباه می کنند که باید نماز را تا بلوغ الظل مثل الشاخص تأخیر بیندازند. ولی فضیلت هم این است که سایه به اندازه چهار هفتم شاخص برسد. البته این وقت فضیلت تا بلوغ الظل مثل الشاخص امتداد دارد.

**البته باز این روایت نظر مشهور را ثابت نمی کند که:**

می گفتند تفریق بین دو نماز أفضل از جمع است زیرا این روایت مربوط به وقت فضیلت نماز ظهرو عصر است و اگر کسی ساعت پنج بعد از ظهر نماز بخواند روایت دلالتی ندارد که تفریق در این صورت هم مستحب باشد.

**دلیل صدق تفریق با اتیان نماز دو رکعتی**

بحث دیگری که مطرح است این است که:

اگر تفریق بین دو نماز مستحبّ باشد مستند مشهور که گفته اند اگر دو رکعت بین دو نماز خوانده شود تفریق بین دو نماز صدق می کند، چیست. برای این مطلب به روایت استدلال کرده اند:

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ ***سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا جَمَعْتَ بَيْنَ صَلَاتَيْنِ فَلَا تَطَوَّعْ بَيْنَهُمَا.*** وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى مِثْلَهُ[[6]](#footnote-6)

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ ***سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ- فَإِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ فَلَا جَمْعَ***.[[7]](#footnote-7)

ظاهر این است که این دو روایت یک حدیث است که نقل به معنا شده است.

گفته اند مفاد روایت این است که اگر بین دو نماز نافله بخوانی دیگر بین دو نماز جمع نکرده ای و بین دو نماز تفریق کرده ای.

**مناقشه سندی**

این روایت اشکال سندی دارد:

محمد بن حکیم توثیق خاص ندارد ولی چون از مشایخ صفوان، بزنطی و ابن أبی عمیر است ما از این جهت مشکلی نداریم.

ولی در سند یک روایت محمد بن موسی قرار دارد که نجاشی می گوید: محمد بن موسى بن عيسى أبو جعفر الهمداني السمان‌، ضعفه القميون بالغلو، و كان ابن الوليد يقول: إنه كان يضع الحديث، و الله أعلم[[8]](#footnote-8)

در سند روایت دیگر سلمه بن خطاب است که او را هم نجاشی تضعیف کرده است.

و با وجود دو سندی که هر کدام یک روای دارد که نجاشی آن را تضعیف کرده است وثوق مشکل است.

**مناقشه دلالی**

از نظر دلالت ممکن است گفته شود که:

این روایت معلوم نیست که أمر تکوینی را بیان کند که هر کجا بین نماز ظهر و عصر نافله بخوانی بین دو نماز جمع نکرده ای. بلکه شاید حکم شرعی را می گوید که استحباب جمع بین صلاتین هر کجا باشد شرطی دارد و آن این است که نافله ساقط شده باشد و اگر نافله بین دو نماز ساقط نشده باشد در آن جا جمع بین دو نماز مستحبّ نیست.

***إِذَا جَمَعْتَ بَيْنَ صَلَاتَيْنِ فَلَا تَطَوَّعْ بَيْنَهُمَا***: هر کجا بین دو نماز خواستی جمع کنی جایی است که بین دو نماز نافله ساقط شده باشد. یا در روایت دیگر می گوید: ***الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ- فَإِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ فَلَا جَمْعَ*** هر کجا نافله بین دو نماز مستحب باشد این جا از موارد استحباب جمع بین صلاتین نیست. و هر جا گفتند جمع رسول الله بین صلاتین و جمع مستحب شد بدانید جایی است که نافله ساقط شده است مثل نماز در سفر و یا نماز و عشاء در مزدلفه.

و این مطلب ربطی به بیان أمر تکوینی ندارد که هر کجا نافله بین دو نماز بخوانی تفریق حاصل می شود و جمع محقّق نمی شود. و مخصوصاً روایت دوم معلوم نیست این را بگوید. و فلا جمع ظهور ندارد در این که «لم یتحقق خارجاً» مراد باشد بلکه شاید مراد « فلا یستحب الجمع» باشد و روایت مجمل می شود. علاوه بر این که سند آن هم اشکال داشت.

نتیجه این که: تفریق بین صلاتین بر فرض استحباب تابع صدق عرفی است و با دو رکعت نافله و حتّی با نافله مغرب تفریق صدق نمی کند.

***مسأله هشتم عروه***

قد عرفت أن للعشاء وقت فضيلة‌ و هو من ذهاب الشفق إلى ثلث الليل و وقتا إجزاء من الطرفين و ذكروا أن العصر أيضا‌ كذلك فله وقت فضيلة و هو من المثل إلى المثلين و وقتا إجزاء من الطرفين لكن عرفت نفي البعد في كون ابتداء وقت فضيلته هو الزوال نعم الأحوط في إدراك الفضيلة الصبر إلى المثل‌.

روشن است که وقت فضیلت نماز عشاء از زمانی است که ذهاب حمره مغربیه می شود و تا یک سوم شب ادامه دارد. صاحب عروه می فرماید وقت عصر هم از زمانی است که سایه شاخص به مثل می رسد و تا مثلین ادامه دارد و بعد می فرماید که قبلاً گفتیم که این نظر مشهور است ولی به نظر ما وقت فضیلت عصر از زوال شروع می شود و شاید ایشان به إن هی إلا سبحتک تمسّک می کند که به آن اشکال کردیم.

***مسأله نهم (تزاحم بین وقت فضیلت و نماز جماعت)***

يستحب التعجيل في الصلاة في وقت الفضيلة‌ و في وقت الإجزاء بل كلما هو أقرب إلى الأول يكون أفضل إلا إذا كان هناك معارض كانتظار الجماعة أو نحوه‌

بحثی مطرح است که در تزاحم وقت فضیلت و درک نماز جماعت کدام مقدّم است؛

### مقتضای قاعده

**أصل أولی این است که:**

اگر وقت فضیلت با انتظار جماعت فوت می شود وقت فضیلت مقدّم می شود به خاطر نصوص کثیره ای که اهتمام به اوقات فضیلت را بیان می کند و این که اگر نماز را از وقت فضیلت تأخیر بیندازد مضیّع نماز است «فذلک المضیع» حتّی صاحب حدائق به خاطر لسان این روایات، قائل به وجوب رعایت وقت فضیلت شد. أما اگر ابتدای وقت فضیلت است و با انتظار جماعت، در أثناء وقت فضیلت و یا قبل از فوت وقت فضیلت، نماز جماعت شروع می شود؛ بدون اشکال انتظار برای نماز جماعت أفضل است زیرا بین درک وقت فضیلت و جماعت تنافی نیست. و أصحاب أئمه هم همین کار را می کردند و صبر می کردند با پیغمبر نماز بخوانند با این که پیامبر نماز ظهر را زمانی می خواندند که سایه به اندازه دو هفتم شاخص برسد و نماز عصر را زمانی می خواندند که سایه به اندازه چهار هفتم شاخص می رسید. و حتّی در شدّت غیظ و هوای خیلی گرم، گاهی سایه تا دو برابر شاخص می رسید.

### مقتضای روایات

**مشهور قائل شده اند که:**

انتظار جماعت هر چند باعث فوت وقت فضیلت شود مقدّم است و ظاهر کلام صاحب عروه همین است. دلیل این فتوا، روایت جمیل بن صالح است؛

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ ***أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّهُمَا أَفْضَلُ- يُصَلِّي الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ- أَوْ يُؤَخِّرُ قَلِيلًا وَ يُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ- إِذَا كَانَ إِمَامَهُمْ قَالَ- يُؤَخِّرُ وَ يُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ إِذَا كَانَ [هُوَ] الْإِمَامَ***.[[9]](#footnote-9)

به نظر می رسد که این روایت قابل استدلال نیست و سنداً و دلالتاً مشکل دارد؛

#### مناقشه

**مناقشه سندی**

أما سند روایت: صدوق سند ذکر نمی کند.

برخی برای تصحیح سند گفته اند که شیخ طوسی ره با واسطه از ابن ولید کتاب جمیل بن صالح را نقل می کند و صدوق ره به جمیع کتب و روایات ابن ولید سند صحیح دارد و خود صدوق ره شاگرد ابن ولید است و لذا مشکل حلّ می شود: ابن ولید کتاب جمیل بن صالح را نقل کرده است و شیخ طوسی هم گفته است که ما از طریق ابن ولید به واسطه ابن أبی جید کتاب جمیل بن صالح را نقل می کنیم و قطعاً ابن الولید هر کتابی را روایت کرده است شیخ صدوق ره تحمّل حدیث کرده است.

جواب این است که شیخ ره در فهرست می گوید له أصل أخبرنا به ابن أبی جید عن جمیل بن صالح، از کجا معلوم که این حدیث در أصل جمیل بن صالح باشد و شاید در کتابی از جمیل بن صالح نقل شده باشد و هیچ ربطی به أصل جمیل بن صالح نداشته باشد زیرا مرسل است.

و ما مراسیل صدوق را معتبر نمی دانیم. بله اگر بگوید و فی کتاب جمیل بن صالح، أصاله الحس جاری می کنیم و می گوییم کتاب با قرائن حسیه به دست او رسیده است. ولی در محل بحث معلوم نیست که این حدیث از کتاب باشد و صرف احتمال این که شاید از کتاب باشد کفایت نمی کند. و اگر به صرف احتمال این که شاید از کتاب باشد باید در همه مراسل صدوق بگوییم معتبر است و اگر صدوق مثلاً بگوید قال ابوعبدالله باز این احتمال می آید که شاید از کتاب نقل کرده است.

**مناقشه دلالی**

مرحوم خویی فرموده اند: این روایت در مورد امام جماعت است که مستحبّ است تأخیر بیندازد تا مردم به فیض جماعت برسند ولی در مورد مأموم چیزی نمی گوید بلکه روایت مفهوم دارد: یصلی بأهل مسجده اذا کان امامهم. یعنی اگر امام است این را می گویم.

اشکال دیگر این است که روایت می گوید: «یؤخّرها قلیلا» و اول وقت زوال است و تأخیر قلیل از أول وقت، نهایت تا دو هفتم شاخص می شود و تأخیر تا پنج بعد از ظهر تأخیر قلیل نیست.

لذا مقتضای قاعده تفصیل است بین این که وقت فضیلت را ولو در آخر آن درک می کند که انتظار جماعت مستحب است و یا این که وقت فضیلت را أصلاً درک نمی کند که انتظار جماعت مستحب نیست.

1. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 132‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 132‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 134‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 134‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 148‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 224‌ [↑](#footnote-ref-6)
7. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 224‌ [↑](#footnote-ref-7)
8. رجال النجاشي - فهرست أسماء مصنفي الشيعة، ص: 338‌ [↑](#footnote-ref-8)
9. وسائل الشيعة، ج‌8، ص: 308‌ [↑](#footnote-ref-9)